

تحلیل راهبردی وضعیت اجتماعی - اقتصادی مناطق مرزی بر قاجاق کالا مطالعه موردی: استان بوشهر^۱

محسن شاطریان^۲

دانشیار جغرافیا، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

امیر اشنویی

دانشجوی دکتری جغرافیا، باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، کاشان، ایران

محمود گنجی پور

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۷/۱۴

چکیده

توسعه بدون برنامه و یک سویه در پهنه سرزمین، بسیاری از ظرفیت‌های کشور را بدون استفاده گذاشته و مشکلات بسیاری را در سطوح مختلف به وجود آورده و موجب افزایش نابرابری‌های فضایی، اجتماعی و اقتصادی در سطح کشور شده است. از این رو، استفاده از دیدگاه آمایش سرزمین به توازن توسعه اجتماعی - اقتصادی مناطق مختلف کمک کرده و از قاجاق کالا که یکی از پیامدهای شوم توسعه ناموزون و ناعادلانه است جلوگیری می‌نماید. این پژوهش با روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و پیمایشی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. بر این اساس با استفاده از مدل سوات (SWOT) موقعیت کنونی استان بوشهر مطالعه و نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بررسی شده و در نهایت، راهکارهای رسیدن به اولویت‌های مبتنی بر جهت‌گیری‌های توسعه پایدار ارائه شده است. جامعه‌ی آماری مورد بررسی، کارشناسان ۱۱ اداره و سازمان مرتبط با قاجاق کالا در مناطق مرزی استان بوشهر را در برمی‌گیرد. حجم نمونه تعداد ۵۵ نفر تعیین شد. نتیجه اینکه؛ راهکارهای آمایشی برای کاهش قاجاق کالا از طریق بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی مرزنشینان ارائه شد و اولویت اول برای استان راهبرد تغییر جهت هوشمندانه ارائه گردید. به طوری که این استراتژی‌ها شامل: ایجاد پایانه‌های صادرات محصولات زراعی با توجه به شرایط ممتاز بازرگانی بین‌المللی، بهبود و ساماندهی مسیرهای ترانزیت کالا با استفاده از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک استان، تقویت تعاونی‌ها و بازارچه‌های مرزی به منظور کاهش اقتصاد زیرزمینی، ایجاد صنایع کوچک و روستایی به منظور کاهش فقر و محرومیت و توزیع بهینه امکانات و منابع به منظور نگهداشت نیروی متخصص بومی در استان می‌باشد.

واژگان کلیدی: قاجاق کالا، اجتماعی، اقتصادی، استراتژی، بوشهر

۱- این مقاله بخشی از یافته‌های طرح پژوهشی "بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی مرزنشینان و تأثیر آن بر قاجاق کالا با تأکید بر آمایش سرزمین (استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و بوشهر)" که با کمک معاونت پژوهشی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تهیه و اجرا شده است.

۲- محسن شاطریان (نویسنده مسئول) shaterian@kashanu.ac.ir

مقدمه

توسعه پدیده ایست چند بعدی و محدود کردن آن به پیشرفت اقتصادی موجه نیست (روشه، ۱۳۷۲، ص ۱۳۱). توسعه ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر معنا شده است (گیسل، ۱۳۷۹، ص ۲۳۱). هدف نهایی هر جامعه نیز تلاش برای برنامه‌ریزی جهت نیل به رشد و توسعه پایدار برای همه مناطق است (Torjman, 2000, p2).

مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشورها به شمار می‌روند. طبیعت منزوی و غیر حاصل خیز مناطق مرزی، به خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. ناتوانایی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی - اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نا به سامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی در این مناطق فراهم آورده است (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۹۴). از یک سو، شهرهای واقع در این مناطق بسیار محدود و از توسعه پایینی برخوردارند و ضرورت برنامه‌ریزی ویژه و جامع برای این مناطق احساس می‌شود. هرچند از گذشته تاکنون ابعاد گوناگون مسائل و مشکلات مربوط به این مناطق به طور پراکنده مورد مطالعه قرار گرفته است، اما آمایش مناطق مرزی با این عنوان، تاکنون نه تنها جایگاهش در نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور تبیین نشده است، بلکه ابعاد و ویژگی‌های آن نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این روی، در حال حاضر، ضرورت انجام مطالعات علمی در این رابطه، بیش از پیش احساس می‌شود. (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸، ص ۵۸) از سوی دیگر، با جهانی شدن صنعت، تجارت، امور مالی و تغییرات در نظام بین‌المللی، تفکرات ژئواستراتژیک به سوی باورهای جغرافیای اقتصادی مرزها معطوف شد. به گونه‌ای که تحولات در کارکردهای مرز و نگرش به آن، به عنوان یک فرصت اقتصادی از سوی نظام‌های سیاسی حاکم، موجب افزایش جمعیت در مناطق مرزی شده و شرایط جدیدی را رقم زده است. این شرایط جدید، مرکز را وادار به تجدیدنظر در روابط خود با پیرامون کرده است (Pena, 2005, p286). به نقل از موسوی، ۱۳۹۲، ص ۵۶).

قاچاق کالا به عنوان یک پدیده شوم اجتماعی، اثرات بسیار نامطلوبی در زمینه‌های اقتصادی دارد. قاچاق کالا، یکی از مؤلفه‌های مهم فساد اقتصادی است. قاچاق کالا و اهمیت مبارزه با آن، ساماندهی وضعیت مبادلات مرزی، حرکت به سمت اقتصاد شفاف و تطبیق رفتار دستگاه‌های نظارتی بر مبنای اصلاحات انجام شده توسط دولت، از مهم‌ترین محورهای عملیاتی در جهت مبارزه با قاچاق کالا هستند. قاچاق کالا و اهمیت مبارزه با آن و توسعه داخلی و پیشرفت اقتصاد ملی با تکیه بر توانمندی‌ها، دستیابی به اقتصاد بدون نفت و تقویت تولیدات داخلی که از مهم‌ترین این برنامه‌ها، مبارزه همه جانبه با قاچاق کالا است، از اهمیت اساسی برخوردار است. اصولاً قاچاق در مناطق مرزی صورت می‌گیرد و می‌توان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مناطق مرزی را وجود همین پدیده ذکر کرد. (اصغری، ۱۳۸۸، به نقل از کهنه پوش و عنابستانی، ۱۳۹۱) بنابراین با تحلیل شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی مناطق مرزی و بررسی رابطه‌ی آن با افزایش یا کاهش قاچاق کالا از طریق برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، می‌توان گام مؤثری در راه توسعه‌ی پایدار در مناطق مرزی به خصوص استان بوشهر برداشت.

فرایند توسعه، فرایندی چند بعدی است که شناخت و تجزیه و تحلیل آن مستلزم یک برخورد کلی نگر و استفاده از تمام ابزار علوم اقتصادی - اجتماعی است و بدین ترتیب در برنامه‌ریزی جهت دستیابی به توسعه علاوه بر ابعاد اقتصادی - اجتماعی، لازم است که به ابعاد فضایی نیز توجه شود. به طور کلی برنامه‌ریزی جامع توسعه ملی در سه بعد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی قابل بررسی می‌باشد (میر محمدی، ۱۳۸۶، ص ۸). برنامه‌ریزی در آمایش بدون برنامه‌ریزی منطقه‌ای عملاً کاربردی نخواهد داشت. لذا، نقش سرزمین در آمایش سرزمین فوق العاده مهم و اساسی است (خنفیر، ۱۳۸۹، ص ۶).

برنامه‌ریزی منطقه‌ای یا همان برنامه‌ریزی در منطقه عبارت از فرایند توجیه و تبیین و روشن نمودن آرمان‌های اجتماعی و ارائه راه حل‌هایی در جهت سامان بخشیدن به فعالیت‌ها در فضای سرزمینی است. در مجموع آمایش سرزمین عبارت از روند منظم برای انتخاب بهترین روش‌ها و مدل‌ها جهت دستیابی به اهداف رشد و توسعه سرزمین یا مناطق مختلف می‌باشد (زیاری، ۱۳۷۸، ص ۸۸). از این رو، یکی از اهداف و ضرورت‌های آمایش سرزمین، برقراری تعادل منطقه‌ای است که طی آن مناطق محروم بتوانند از امکانات و منافع توسعه ملی بهره‌مند شوند، توزیع عادلانه امکانات پدید بیاید و نوسازی، بازسازی و بهسازی فضایی در مناطق مورد نیاز به ظهور برسد.

مهم‌ترین پایه‌های نظری توسعه منطقه‌ای که در آمایش مناطق مرزی تاکنون مورد استفاده قرار گرفته، متکی بر نظریه‌های مکان مرکزی^۱، والتر کریستالر^۲، نظریه قطب رشد^۳، پیه رو^۴، نظریه مرکز - پیراون^۵، جان فریدمن^۶ و نظریه بازگشت تمرکز بوده است. گرچه این نظریه‌ها به صورت مستقیم به موضوع مناطق مرزی نپرداختند، اما دیدگاه‌هایی نظری در رابطه با پدیده عدم تعادل منطقه‌ای را مطرح ساختند که بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری مناطق مرزی تأثیرگذار بوده است. (عندلیب، ۱۳۸۸، ص ۶۳) در ادامه به برخی از پایه‌های نظری توسعه منطقه‌ای که در آمایش مناطق مرزی تاکنون مورد استفاده قرار گرفته اشاره می‌شود.

قطب رشد

از میان تمام مفاهیمی که برای توسعه فضایی مطرح شده‌اند، "قطب رشد" گیرایی و استفاده بیشتری در ادبیات توسعه داشته و رشته‌های علمی جغرافیای اقتصادی و اقتصاد فضا بیش از سایر رشته‌ها به این درک کمک نموده‌اند. توسعه منطقه‌ای عموماً از کمبود سرمایه و فقدان فن آوری، پیش از دیگر عوامل رنج می‌برد. بنابراین باید با ایجاد امتیازاتی زمینه ورود و گسترش سرمایه و فن آوری را به محل تسهیل نمود. همچنین بر پایه اثرات فزاینده و رشد القایی بخش پیشاهنگ می‌توان به بخش رشد در محل امیدوار بود و سپس در انتشار نوآوری‌ها و شروع مرکز‌گرایی فعالیت‌هایی که به حد بلوغ خود در قطب رشد رسیده‌اند، به بخش رشد در نظام شهری و به سراسر منطقه منتقل نمود (کلانتری، ۱۳۸۱، ص ۶۹).

سیاست‌های منطقه‌ای نشأت گرفته از این نظریه، هزینه‌های اجتماعی و اقدامات متمرکز توسعه صنعتی و خدماتی در

1 Central Place Theory

2 Walter Christaller

3 Growth Pole

4 Perroux

5 The Periphery- Core Theory)

6 John Freedman

منطقه را توجیه پذیر می‌کنند. زیرا روند توسعه ماهیتاً غیرمتعادل آغاز شده و کارایی اقتصادی تمرکز خدمات زیربنایی و فعالیت‌های مولد را در کنار یکدیگر موجب می‌شود. لذا چنانچه شکل فضایی یا آمایش سرزمین آن را بسازیم، محتوای توسعه را فراهم می‌کند. به بیان ساده‌تر، اگر منابع برای همه کافی نیست، همان بهتر که به سیاست "یک ده آباد به از صد ده خراب" پرداخته شود و امیدوار باشیم که دستی نامرئی، عدالت و توزیع را به دنبال کارایی و رشد به بار می‌آورد (میر محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۵).

مرکز - پیرامون

گرچه در نظریه‌های توسعه منطقه‌ای منظور از مناطق پیرامونی و حاشیه‌ای بیشتر مفهوم اقتصادی دارد، اما با توضیحاتی که در این تحقیق در مورد شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی ارائه می‌شود، این مناطق را عمدتاً می‌توان مناطق حاشیه‌ای به شمار آورد و نظریه‌های یاد شده درباره آن‌ها نیز صادق است. به عبارت دیگر، مناطق پیرامونی مورد بحث این نظریه‌ها گرچه ضرورتاً نواحی مرزی یک کشور، از جمله ایران، نیستند اما اکثراً مناطق مرزی در ایران، مانند بسیاری از دیگر مناطق مرزی جهان، حاشیه‌ای، پیرامونی و توسعه نیافته‌اند. از این روی، می‌توانیم از این نظریه‌ها برای بررسی پدیده توسعه نیافتگی در مناطق مرزی کشور استفاده کنیم.

در تجزیه و تحلیل پدیده عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرکزی و مناطق پیرامونی که منظور ما در این تحقیق مناطق مرزی است، تکیه‌گاه اصلی بر مجموعه نظریه‌های مکان مرکزی ۱ و به ویژه بر نظریه والتر کریستالر ۲ نهاده شده است. در حقیقت نظریه کریستالر، در سال ۱۹۳۳ به منظور دستیابی به الگوی بهینه برای توأم کردن و آمیختن سه عامل عمده، بازار مصرف، حمل و نقل و فعالیت اداری ارائه شده است (شکویی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۹). فریدمن براساس تحقیقات خود که در آمریکای جنوبی (ونزوئلا و شیلی) انجام گرفت. برخلاف باور رایج، رابطه بین این دو نظام را رابطه‌ای استعماری می‌داند که قطبی شدن را در مرکز و حاشیه‌ای شدن را در پیرامون به دنبال دارد (Friedman, 1998, p33) در مدل مرکز/پیرامون که قابل تسری به نظریه قطب رشد در توسعه منطقه‌ای است، فریدمن خوش بینی خود را در همگرایی اختلافات منطقه‌ای در کشورهای جنوب از دست داده و روند قطبی شدن و دوگانگی در ساز و کار مرکز/پیرامون را "خود تقویت کننده" برشمرد (Myrdal, 2000, p12).

نظریه مرکز - پیرامون در دهه ۱۹۷۰ توسط نایلز هانسن ۳ به منظور تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه‌ای بین مناطق مرزی و مناطق مرکزی، مورد استفاده قرار گرفت (مطوف، ۱۳۸۱، ص ۴۷۶). هانسن مدعی شد که کریستالر عقیده داشت مناطق مرزی به دلیل اینکه فضاهای مکمل یکدیگر را از همدیگر جدا می‌سازد، آسیب پذیرند (عندلیب، ۱۳۷۹، ص ۴۹). پس از هانسن، دو محقق دیگر به نام‌های فیلیپ جنز ۴ و تریور وایلد ۵ با تکیه بر پایه‌های نظریه مکان مرکزی کریستالر و کارهای لوش ۶ ابراز کردند که توسعه نیافتگی مناطق مرزی مربوط به دو محور محدودیت- محدودیت‌های تجارت خارجی در نواحی مرزی و تهدیدات نظامی و عوامل ناامنی است. آن‌ها اظهار می‌کنند که

-
- 1 Center Place Theory
 - 2 Walter Christaller
 - 3 Niles Hansen
 - 4 Philip Jones
 - 5 Trevor Wild
 - 6 Losch

شهرهای واقع در نواحی مرزی با محدودیت‌هایی در توسعه خود مواجه‌اند. آنان همچنین به پیروی از روملی و مینچی (۱۹۹۱) معتقدند که نواحی مرزی علاوه بر پدیده توسعه نیافتگی ناشی از موقعیت جغرافیایی خود همچون دور از مرکز، تأثیر مستقیم مرزها را در ساختار فضایی و کالبدی آن‌ها منتقل می‌کند (Jones & Wild, 1994, p270).

نظام سلسله مراتبی سکونت گاه‌ها

تعدادی از نظریات توسعه منطقه‌ای یا آمایش سرزمین با دیدگاه فضایی با اصالت دادن به نظام استقرار سکونت‌گاه‌ها در فرآیند توسعه، میانه‌ای از دو حد تمرکز گرایی (مانند قطب رشد) و تمرکز زدایی (مدل مرکز/پیرامون) را برگزیده و تجمع غیرمتمرکز یا تمرکززدایی با تجمیع را پیشنهاد کرده‌اند. این نظریات در واقع به عنوان راه حلی اصلاح طلبانه برای کاستی‌ها و نارسایی‌های توسعه فضایی متداول مطرح شده‌اند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۵). نظریات نظام سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها بر چند پایه فکری بنا شده‌اند. مهم‌ترین پایه فکری این نظریه نشأت گرفته از نظریه مکان مرکزی کریستالر، لوش و گالپین است. در این نظریه بنا بر رفتار منطقی جمعیت بر پهنه محیطی همگون، شبکه‌ای سلسله مراتبی از مراکز عرضه کالا و خدمات به عنوان سازمان فضایی بهینه به دست می‌آید که بنا بر لزوم وجود شهرهایی برای عرضه کالا و خدمات و تمایل به طی مسافتی برای تهیه آن کالا و خدمات شکل گرفته است (صرافی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹).

در نهایت، مطالعات در ایران و جهان حاکی از آن است که شرایط توسعه نیافتگی در مناطق مرزی، همواره مشکلات و چالش‌های گسترده و اساسی زیادی - مانند انواع قانون شکنی‌ها و قانون کژی‌ها - به دنبال خود آورده است. بر این اساس، خصوصیات و ویژگی‌هایی که در مناطق مرزی به گسترش جرم و قانون گریزی منجر شده، توسعه ناموزون و ناعادلانه مناطق مرزی است که قاچاق کالا یکی از پیامدهای شوم توسعه ناموزون و ناعادلانه است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱، ص ۳۳).

در ادامه به برخی از تحقیقت درباره عدم تعادل منطقه‌ای، قاچاق کالا و مناطق مرزی اشاره می‌شود.

پاپلی یزدی (۱۳۷۲) در تحقیق خود با عنوان عدالت اجتماعی و توسعه بیان می‌دارد که آمایش و ساماندهی سرزمین و فضای جغرافیایی در ایران بر مبنای نظریات سرمایه داری طراحی شده است. به همین جهت مناطق کشور به صورت نامتعادل توسعه یافته است و این امر یکی از دلایل افزایش طبقاتی در ایران است. در صورتی که در قانون اساسی بحث عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای را مطرح می‌کند. وی معتقد است که فقرا در درجه اول نان و کار و مسکن می‌خواهند و مراحل بعدی است که دنبال روزنامه و آزادی می‌روند. بنابراین اگر اصلاحات اقتصادی جهت رعایت عدالت اجتماعی و تعادل‌های مناطق کشور انجام نشود، اصلاحات سیاسی شکست می‌خورد. هیچ کشوری بدون توسعه اقتصادی به توسعه سیاسی به معنی واقعی کلمه دست نیافته است.

کریمی پور (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان سد نفوذ قاچاق کالا از واقعیت تا رؤیا در استان هرمزگان، بیان می‌دارد که به رغم همه تلاش‌ها و تلف شدن سرمایه‌های فکری، اقتصادی، انسانی دولت و ملت و بویژه تشدید واگرایی‌ها از طریق نارضایتی‌های عمومی مردم ساحل نشین حرکت یا حرفه قاچاق بدون وقفه ادامه دارد. از دیدگاه وی، راه حل کلی با وجود پایدار بودن شرایط و ساختارهای اقتصاد کنونی، چندان نتیجه‌ای نخواهد داشت. اما می‌توان راهکارهای مشهود و تجربه شده موفق دیگر کشورها در این زمینه را ملاک عمل قرار داد. در واقع ایران برای ایفای نقش منطبق

با جمعیت، وسعت و قابلیت‌های ملی‌اش، ناگزیر به ورود برنامه‌ریزی شده در اقتصاد جهانی است. در این راستا، انجام اصلاحات ساختاری و تعدیل اقتصادی، دو گام بسیار با اهمیت به شمار می‌رود. در این میان، اصلاحات ساختاری، پیوستن به سازمان تجارت جهانی و آزاد سازی تجاری و اعطای نقش برتر به بخش خصوصی داخلی و خارجی سه رویکرد اجباری و اجتناب ناپذیر است.

عرب مازار یزدی (۱۳۸۴) در کتاب خود با عنوان اقتصاد سیاه در ایران بر روی اندازه‌گیری حجم اقتصاد سیاه در ایران در سه دهه گذشته متمرکز است. وی تاکید بر نظریه نهادگرایی دارد که بستر مناسبی را برای همگرایی رویکردهای خرد، کلان و توسعه‌ای به علل پیدایش و رشد تولیدات غیر قانونی و پنهان و آثار آن‌ها می‌پردازد و سیاست‌های مهار تورم، اجتناب در تغییرات فزاینده ناگهانی در بار مالیاتی، افزایش کارآمدی دولت از طریق ارتقاء توانمندی‌های آن، دقت بیشتر در انتخاب ابزارهای اجرای سیاست‌های انبساطی را پیشنهاد می‌کند.

سیف (۱۳۸۷) در کتابی با عنوان قاچاق کالا در ایران نگاشته است. وی هدف این کتاب را دستیابی به جمع بندی کارشناسانه از طریق بررسی همه جانبه موضوع قاچاق کالا در ایران بر مبنای جمع بندی مطالعات انجام شده در کشور و شناخت ابعاد آن می‌داند. وی قاچاق کالا و ارز را از ابعاد مختلف کارشناسانه مطالعه و بررسی کرده و بیان می‌دارد که قاچاق کالا از بعد سیاسی تضعیف کننده ارتباطات کشورها، از بعد اجتماعی بر هم زننده تعادل اجتماعی و درآمد میان اقشار جامعه و از بعد اقتصادی ویران کننده است. همچنین سیف به واقعی هم اشاره کرده، تقاضای داخلی اصلی‌ترین عامل و رونق این پدیده شوم است. یعنی قاچاق کالا از انجا بروز می‌کند و گسترش می‌یابد که همواره تقاضایی برای آن کالاها در بازار داخلی و خارجی وجود دارد و عوامل قاچاق، با هدف کسب سود بیشتر مبادرت به عرضه آن از مبادی غیر رسمی می‌کنند.

افتخاری و همکاران (۱۳۸۷) به تحلیل اثرات اقتصادی بازارچه شیخ صالح در استان کرمانشاه در توسعه مناطق مرزی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از این واقعیت است که بازارچه توانسته است اثرات اقتصادی مثبتی بر روی مناطق پیرامون خود بر جای گذارد.

ویسی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان توسعه نامتوازن و چالش‌های ناحیه‌ای استان سیستان و بلوچستان ضمن دسته بندی اطلاعات موجود، علل نامنی و تنش‌های سیاسی و ژئوپولیتیکی جنوب شرقی ایران و توسعه نیافتگی آن را در سه سطح عوامل ملی (پیگیری مقوله ملت سازی)، عوامل ناحیه‌ای (شرایط اقلیمی، تفاوت‌های مذهبی، محرومیت، سطح پایین مشارکت سیاسی و قاچاق) و عوامل فراملی (بلوچستان پاکستان، کشورهای منطقه‌ای مداخله‌گرا و اینترنت) بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد یکی از عوامل شاخص، توسعه نامتوازن کشور و کم توجهی در سطوح خرد و کلان به توان‌های محیطی و شاخص‌های هویتی ناحیه‌ای و محلی است که در گسترش برخی از نا امنی‌ها و چالش‌های ناحیه‌ای نقش داشته است.

نتایج پژوهش ارمغان (۱۳۹۰) نشان می‌دهد به علت افزایش عرضه نیروی کارگر ماهر و غیرماهر، روز به روز بر تعداد بیکاران افزوده می‌شود گسترده‌گی مرزهای غرب کشور، کوهستانی و صعب‌العبور بودن مرزها، کنترل آن را مشکل کرده، این خود یکی از عوامل گسترش قاچاق در استان‌های مرزی است.

نمایان (۱۳۹۰) بیان می‌دارد که با شناسایی ماهیت پدیده مجرمانه قاچاق کالا، تحلیل بسترها و زمینه‌های شیوع فعل

یاد شده، تعیین راهکارهای کنترلی، تدوین و تصویب قوانین و مقررات کارآمد و همچنین با ارائه راهبردهای کنترل فیزیکی و پیش‌گیری به عنوان روشهای عملیاتی کاربردی می‌توان درصدد افزایش ضریب امنیت از طریق کاهش جرم قاچاق در بستر جامعه برآمد.

نتایج تحقیق زراء نژاد و ابراهیمی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد تورم، شاخص باز بودن اقتصاد، آموزش و حجم دولت مهم‌ترین عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در ایران هستند و مصرف فرآورده‌های نفتی و تقاضای پول مهم‌ترین متغیرهای تأثیرپذیر از قاچاق کالا هستند.

نتایج پژوهش طوسی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که در بعد عوامل درونی، موقعیت سوق الجیشی چابهار به عنوان مهم‌ترین نقطه قوت و ضعف شبکه‌های زیربنایی شامل حمل و نقل، تأمین و توزیع انرژی به عنوان مهم‌ترین نقطه ضعف محوری شرقی ایران محسوب می‌شود. در بعد عوامل خارجی وجود بندر چابهار به عنوان دروازه به عنوان مهم‌ترین فرصت و قرار گرفتن در مسیر بین‌المللی مواد مخدر و قاچاق کالا مهم‌ترین تهدید در توسعه محور شرق محسوب می‌شود.

عیسی آبادی و شاه قلعه (۱۳۹۲) بیان می‌دارند که ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی خاص خود، که کوهستانی بودن مرزهای غربی و بیابانی بودن مرزهای شرقی آن، سبب گسترش قاچاق کالا و دشواری مبارزه با آن شده است وجود مرزهای طولانی با همسایگان، کنترل و نظارت بر ورود و خروج کالاها را از این مرزها را دشوار می‌سازد. قاچاق کالا با تحت تأثیر قرار دادن وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه به ویژه اقشار آسیب پذیر، علاوه بر سلامتی، معیشت و اشتغال آنان را تهدید می‌کند. قاچاق کالا و ارز اگر بزرگترین معضل اقتصاد ایران نباشد، بی تردید برجسته‌ترین عارضه و علامت بیماری است که اقتصاد کشورمان به آن مبتلا شده است.

نتایج تحقیق کهنه پوشی و جلالیان (۱۳۹۱) حاکی از وجود قاچاق گسترده‌ی کالا در روستاهای شهرستان مریوان به علت همجواری با مرز بین‌المللی عراق می‌باشد که بر زندگی مردم روستاها در زمینه‌های اشتغال و درآمد و نیز بر سایر بخش‌های اقتصادی موجود در این منطقه، تأثیر مثبتی داشته و این اثرات در روستاهای نزدیک‌تر به مرز شدیدتر است. همچنین، بیکاری و ضعف فعالیت‌های اقتصادی در منطقه، مهم‌ترین دلایل گرایش روستاییان به قاچاق کالا شناسایی شده است.

نتایج پژوهش کلاتری و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که علی‌رغم تحولات سریع جمعیتی شهر پیرانشهر و افزایش سریع آن در دو دهه اخیر، توسعه شهری پیرانشهر در راستای توسعه پایدار شهری بوده و جمعیت پذیری و توسعه آن بدلیل فراهم شدن جاذبه‌های شغلی و اقتصادی از طریق مبادلات مرزی و بین‌المللی تأمین شده و در راستای پایداری شهری می‌باشد.

نتایج تحقیق رستم گورانی و همکاران (۱۳۹۲) حاکی از این است که با ایجاد منطقه آزاد قشم شاخص‌های توسعه اجتماعی و نماگرهای اقتصادی مانند گسترش بازارهای تجاری، اسکله‌ها، گمرک‌ها، اشتغال روند رو به رشدی داشته‌اند، از طرف دیگر، با وجود تأثیرات مثبت حاصل از ایجاد منطقه آزاد قشم در برخی از شاخص‌های امنیتی و جرم نظیر قاچاق کالا، فروش مشروبات الکلی و غیره افزایش یافته است. تبعات این جرائم در آینده نیز بر ساختار شهری قشم بی‌تأثیر نخواهد بود.

نتایج تحقیق رومینا (۱۳۹۳) نشان می‌دهد هر زمان نیازهای شهروندان ساکن یک فضای جغرافیایی از طریق مبادی رسمی و قانونی برطرف نگردد، عاملان قاچاق اقدام به نقل و انتقال کالا از مبادی غیررسمی و به‌صورت غیرقانونی می‌نمایند. وی معتقد است که چهار مؤلفه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نیز فضایی از عوامل توسعه دهنده قاچاق کالای ورودی می‌باشند. مدیریت پدیده قاچاق با اتکاء سه مرحله ریشه قاچاق، مراحل و فرایند قاچاق کالا از مبدأ به مقصد و نیز مؤلفه‌های توسعه دهنده آن مورد ملاحظه قرار گیرد.

روش بررسی

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از بررسی‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی استفاده و با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده، به بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در منطقه پرداخته است. سپس برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از مدل SWOT استفاده شد. برای این منظور، نقاط قوت و ضعف (محیط داخلی) و فرصت‌ها و تهدیدها (محیط خارجی) منطقه مطالعه شد و سپس برای تکمیل اطلاعات به‌دست‌آمده، به‌کمک پرسش‌نامه، از کارشناسان اداره‌ها و سازمان‌های مرتبط با قاچاق کالا در استان بوشهر نظرخواهی شد که با وزن‌دهی به موارد مورد نظر، به تکمیل ماتریس SWOT و در نهایت، راهکارهای رسیدن به اولویت‌های مبتنی بر جهت‌گیری‌های آمایشی و چشم‌انداز ارائه شد.

جامعه آماری پژوهش، کارشناسان ۱۱ اداره و سازمان مرتبط با قاچاق کالا در مناطق مرزی استان مورد مطالعه را شامل می‌شود. حجم نمونه تعداد ۵۵ نفر تعیین شد. به‌گونه‌ای که از هر اداره تعداد ۵ نفر کارشناس مورد پرسش قرار گرفتند.

اعتبار و روایی^۱ سنجش بستگی به مفهوم یا معرف‌های تجربی سنجش آن دارد. اصلی‌ترین روش آزمون اعتبار، بررسی دقیق سنجه مفهوم در پرتو معنای آن و طرح این پرسش جلی است که آیا این ابزار سنجش به‌واقع مفهوم مورد نظر را می‌سنجد یا نه (دواس، ۱۳۸۲: ۶۲). در پژوهش حاضر، برای افزایش درجه اعتبار از روش صوری استفاده شده است. بدین منظور، پرسش‌نامه پس از تدوین در اختیار صاحب‌نظران، متخصصان و استادان قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم انجام شد.

منظور از پایایی این است که اگر آزمایشی را چند بار تکرار کنیم یا تجزیه و تحلیل را چندین بار انجام دهیم، در همه موارد نتایج به‌دست‌آمده یکسان باشد (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱). برای تعیین پایایی^۲ این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع آلفای کرونباخ نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به‌شمار می‌رود.

جدول شماره (۱): میزان آلفای کرونباخ

نام متغیر	نقاط قوت	نقاط ضعف	نقاط فرصت	نقاط تهدید
آلفای کرونباخ	۰/۷۴	۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۷۰

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود با توجه به اینکه در آزمون پایلوت، روایی به حد نصاب رسیده و

1. Validity
2. Reliability

میزان آلفای محاسبه شده اعداد مطلوبی هستند، می توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه ها در پرسش نامه به کار گرفته شده و گویه های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند.

مدل تحلیلی SWOT

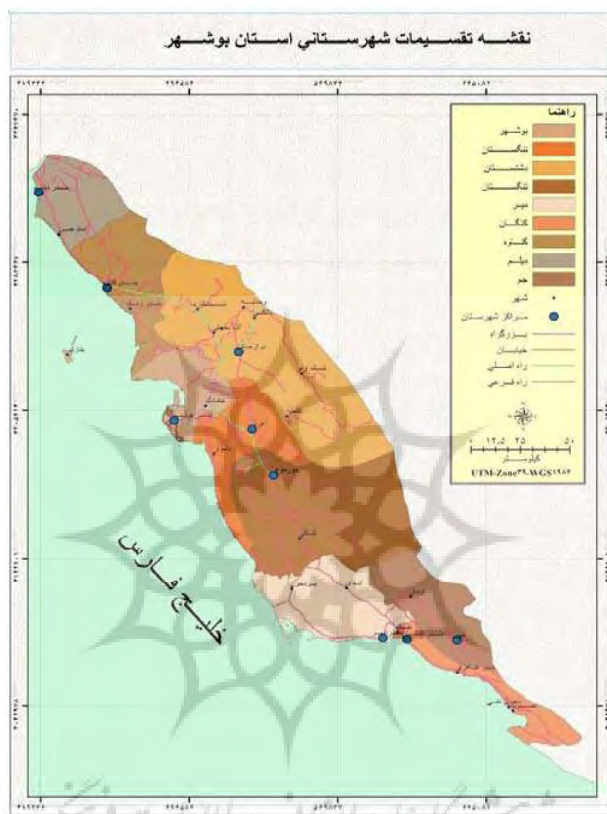
در خصوص تجزیه و تحلیل ظرفیت ها، روش های مختلفی وجود دارد که از آن جمله می توان به تجزیه و تحلیل SWOT، مدل خلاصه ی تجزیه و تحلیل عوامل خارجی، مدل خلاصه ی تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و غیره اشاره کرد (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۵: ۲۰۳). روش SWOT یکی از روش های برنامه ریزی راهبردی است که از دهه ی ۱۹۸۰ وارد مطالعات برنامه ریزان شده است (گلکار، ۱۳۸۴: ۴۸). این مدل در واقع حروف اختصاری چهار عامل تحلیلی شامل: قوت ها^۱، ضعف ها^۲، فرصت ها^۳ و تهدیدها^۴ است. تجزیه و تحلیل SWOT شناسایی نظام مند عواملی است که راهبرد باید بهترین سازگاری را با آن ها داشته باشد (پیرز و رایبسون، ۱۳۸۳: ۱۵۵). در واقع تحلیل قوت ها و ضعف ها در محیط درونی و تحلیل فرصت ها و تهدیدها از محیط بیرونی، جریانی نظام مند است که به ارائه ی پشتیبانی برای موقعیت تصمیم گیری می پردازد (Wheelen, 1995: 341). مدل SWOT یکی از ابزارهای استراتژیک تطابق نقاط قوت و ضعف درون سیستمی با فرصت ها و تهدیدهای برون سیستمی است. از دیدگاه این مدل یک استراتژی مناسب قوت ها و فرصت ها را به حداکثر و ضعف و تهدیدها را به حداقل ممکن می رساند (هریستون، ۱۳۸۲: ۱۹۲). این منطق اگر درست به کار گرفته شود، نتایج بسیار خوبی برای انتخاب و طراحی یک راهبرد اثربخش خواهد داشت. این مدل می تواند یک مرحله ی اولیه از یک تحلیل با هدف نهایی ارائه و اتخاذ سیاست های لازم برای تناسب میان عوامل داخلی و خارجی باشد (Kajanus, 2000: 718).

قلمرو پژوهش

محدوده ی مورد مطالعه ی این پژوهش را استان مرزی بوشهر در جنوب کشور تشکیل می دهد که با موضوع قاچاق کالا مرتبط می باشد. این استان در جنوب ایران واقع شده و بین ۲۷ درجه و ۱۴ دقیقه پهنای شمالی و ۵۰ درجه و ۶ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه درازای خاوری از نیمروز گرینویچ قرار گرفته است. این استان از شمال به استان های خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد، از جنوب به خلیج فارس و قسمتی از استان هرمزگان، از خاور به استان فارس و از باختر به خلیج فارس محدود است. استان بوشهر با خلیج بیش از ۶۰۰ کیلومتر مرز آبی دارد و از اهمیت سوق الجیشی، اقتصادی و گردشگری قابل توجهی برخوردار است. به طور کلی آب و هوای بوشهر در نواحی ساحلی گرم و مرطوب و در قسمت های داخلی گرم و خشک صحرایی است. (رستگار، ۱۳۹۲) در استان بوشهر دو فصل محسوس وجود دارد: زمستان نسبتاً خنک، شامل ماه های آذر، دی، بهمن، اسفند و تابستان گرم خشک و طولانی. پاییز و بهار این استان نیز بسیار زودگذر است. شهرستان های استان بوشهر عبارتند از: بندر بوشهر، بندر دیلم، بندر گناوه، تنگستان (اهرم)، دشتستان (برازجان)، دشتی (خورموج)، بندر دیر، بندر کنگان. این منطقه به واسطه کمی ارتفاع از دریا - شهر بوشهر از سطح دریای آزاد تنها پنج متر بالاتر است - و نزدیکی به خط استوا و دریای گرم،

1. Strengths
2. Weaknesses
3. Opportunities
4. Threats

سرزمین گرم و مرطوبی است. (کنین، ۱۳۸۷، ص ۴۹) کالاهای قاچاق در این منطقه بیشتر شامل کالاهایی از قبیل دوربین فیلم برداری و عکاسی، ویدئو و تلویزیون (کالاهای تصویری و صوتی)، موبایل و لوازم جانبی، انواع رایانه و قطعات کامپیوتری، فاکس و جوهر آنف دستگاه‌های پلی استیشن، لوازم یدکی خودرو و بلبرینگ، پوشاک و منسوجات، ساعت، عینک، لوازم آرایشی و بهداشتی، زیورآلات، اسباب بازی و دیگر موارد متفرقه است (سیف، ۱۳۸۷، ص ۵)



شکل شماره (۱): موقعیت شهرهای استان بوشهر

منبع: نگارندگان

بحث و یافته‌ها

در این قسمت از پژوهش با هدف شناسایی عوامل استراتژیک چهارگانه، ابتدا همه‌ی اسناد، مدارک و کتب مربوط به قاچاق کالا و ارز در استان بوشهر مورد مطالعه قرار گرفت. پس از آن، با پالایش، تلخیص، ترکیب و جمع‌بندی یافته‌ها، فهرست جامعی از عوامل استراتژیک تهیه شد. براین اساس ۱۷ عامل استراتژیک درونی (شامل ۹ نقطه قوت و ۸ نقطه ضعف) و ۱۹ عامل استراتژیک بیرونی (شامل ۹ فرصت و ۱۰ تهدید) مورد شناسایی قرار گرفت و به هر کدام، به‌ازای اهمیت و رتبه نمره‌ای تعلق گرفت.

"اهمیت" هر عامل عبارت است از اهمیت نسبی آن، که در مقایسه با سایر عوامل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به‌گفته‌ی دیگر، نشان می‌دهد که میزان اهمیت و اثربخشی نسبی هر عامل تا چه اندازه است. اما "رتبه" هر عامل عبارت است از نوع و چگونگی ظهور آن، که جداگانه برای هر یک از عوامل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (مهران نژاد،

۱۳۸۸: ۵۹) و پاسخ‌گویان می‌بایست یکی از اعداد صفر تا یک را به هر کدام از عوامل نسبت دهند. عدد صفر بیانگر بی‌اهمیتی و عدد یک بیانگر بالاترین اهمیت و نمره است. از سوی دیگر، ممکن است یک عامل از وزن و اهمیت بالایی برخوردار باشد، اما در شرایط موجود، آن عامل در آن سیستم، از شرایط مطلوبی برخوردار نبوده و از این جهت رتبه‌ی پایینی را به خود اختصاص دهد. در این حالت برای رتبه‌بندی، پاسخ‌گویان می‌بایست یکی از اعداد ۱ تا ۵ را به وضع موجود هر عامل اختصاص دهند (رحمانی، ۱۳۸۹: ۱۷). در این راستا، اثربخشی نسبی (اهمیت)، نوع و میزان کارایی (رتبه) هر یک از عوامل، ارزیابی شده و از کارشناسان اداره‌های بوشهر مورد مطالعه خواسته شد تا با نهایت دقت و تعمق؛ فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف را براساس دو عامل مدنظر، مورد ارزیابی قرار دهند. در نهایت عوامل داخلی در قالب نقاط قوت و ضعف و عوامل خارجی در قالب گویه‌های فرصت‌ها و تهدیدها تعیین شد.

تجزیه و تحلیل (ماتریس ارزیابی) عوامل داخلی

با توجه به جدول شماره (۲)، از دیدگاه پرسش‌شوندگان (کارشناسان ادارات استان) مهم‌ترین نقاط قوتی که استان بوشهر از آن برخوردار است، عبارتند از: قرار گرفتن در مسیر ترانزیت با وزن نسبی ۰/۱۸۷ بالاتر از همه و در رتبه اول، قطب محصولات زراعی با وزن نسبی ۰/۱۸۱ در رتبه دوم، نیروی کار کافی با وزن نسبی ۰/۱۷۶ در رتبه سوم، وجود امنیت نسبی با وزن نسبی ۰/۱۴۳ در رتبه چهارم. قطب منابع غنی کانی و معدنی کشور، وجود تعاونی‌های مرزنشین، وجود امکانات توسعه و ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به محصولات کشاورزی، وجود بازارچه‌های مرزی، وجود صنایع دستی صادراتی، به ترتیب با وزن نسبی ۰/۱۳۳، ۰/۱۲۰، ۰/۱۱۴، ۰/۰۹۵، ۰/۰۹۳ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول شماره (۲) ماتریس SWOT برای شناخت نقاط قوت و اولویت‌بندی آنها در استان بوشهر

رتبه	وزن نسبی	میانگین	مجموع	نقاط قوت
۵	۰/۱۳۳	۱/۲۰۱	۶۶/۰۵	قطب منابع غنی کانی و معدنی کشور
۳	۰/۱۷۶	۱/۵۸۸	۸۷/۳۲	نیروی کار کافی
۴	۰/۱۴۳	۱/۲۹	۷۰/۹۶	وجود امنیت نسبی
۱	۰/۱۸۷	۱/۶۸۵	۹۲/۶۵	قرار گرفتن در مسیر ترانزیت
۷	۰/۱۱۴	۱/۰۳	۵۶/۶۸	وجود امکانات توسعه و ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به محصولات کشاورزی
۸	۰/۰۹۵	۰/۸۵۲	۴۶/۸۸	وجود بازارچه‌های مرزی
۶	۰/۱۲	۱/۰۸۴	۵۹/۶	وجود تعاونی‌های مرزنشین
۹	۰/۰۹۳	۰/۸۳۹	۴۶/۱۵	وجود صنایع دستی صادراتی
۲	۰/۱۸۱	۱/۶۲۸	۸۹/۵۵	قطب محصولات زراعی
	۱/۲۴۴	۱۱/۲	۶۱۵/۸	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش

از دیدگاه پرسش‌شوندگان، مهم‌ترین نقاط ضعف در استان بوشهر عبارتند از: سود سرشار به علت اختلاف فاحش قیمت کالا بین کشورهای همسایه و کشور جمهوری اسلامی ایران با وزن نسبی ۰/۲۷۴ بالاتر از همه و در رتبه اول، فقر و محرومیت و عدم وجود مراکز صنعتی و جذب نیروی کار در منطقه و در نتیجه گرایش نیروی کار به سمت قاچاق به عنوان شغل آسان، کم‌خطر و پر درآمد با وزن نسبی ۰/۲۴۹ در رتبه دوم، توزیع ناعادلانه امکانات و دوربودن از مراکز اصلی جمعیت و محورهای توسعه کشور با وزن نسبی ۰/۲۳۶ در رتبه سوم، پایین بودن سطح

کیفیت زندگی و فقدان منابع کافی برای امرار معاش مناسب و قانونی با وزن نسبی ۰/۲۳۵ در رتبه چهارم. رشد شتابان جمعیت این مناطق و بویژه جمعیت شهر نشین و عدم پاسخگویی توانمندی‌های بالفعل این مناطق به نیازهای معیشتی مرزنشینان، عدم سرمایه گذاری بخش خصوصی، بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها (تغییر سیستم ارزشی اجتماع در تخلف دانستن قاچاق)، پایین بودن سطح تحصیلات و آموزش به ترتیب با وزن نسبی ۰/۲۱۸، ۰/۲۰، ۰/۱۵۳ در رتبه‌های بعدی قرار دارند (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳) ماتریس SWOT برای شناخت نقاط ضعف و اولویت بندی آن‌ها در استان بوشهر

رتبه	وزن نسبی	میانگین	مجموع	نقاط ضعف
۲	۰/۲۴۹	۱/۹۹۲	۱۰۹/۶	فقر و محرومیت و عدم وجود مراکز صنعتی و جذب نیروی کار در منطقه و در نتیجه گرایش نیروی کار به سمت قاچاق به عنوان شغل آسان، کم خطر و پر درآمد
۱	۰/۲۷۴	۲/۱۹۲	۱۲۰/۶	سود سرشار به علت اختلاف فاحش قیمت کالا بین کشورهای همسایه و کشور ایران
۴	۰/۲۳۵	۱/۸۸۷	۱۰۳/۵	پایین بودن سطح کیفیت زندگی و فقدان منابع کافی برای امرار معاش مناسب و قانونی
۵	۰/۲۱۸	۱/۷۴۶	۹۶/۰۲	رشد شتابان جمعیت این مناطق و بویژه جمعیت شهر نشین و عدم پاسخگویی توانمندی‌های بالفعل این مناطق به نیازهای معیشتی مرزنشینان
۳	۰/۲۳۶	۱/۸۸۹	۱۰۳/۹	توزیع ناعادلانه امکانات و دور بودن از مراکز اصلی جمعیت و محورهای توسعه کشور
۸	۰/۱۳۱	۱/۰۵۲	۵۷/۸۵	پایین بودن سطح تحصیلات و آموزش
۶	۰/۲	۱/۶۰۲	۸۱/۱۱	عدم سرمایه گذاری بخش خصوصی
۷	۰/۱۵۳	۱/۲۴۴	۶۷/۳۱	بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها (تغییر سیستم ارزشی اجتماع در تخلف دانستن قاچاق)
	۱/۶۹۸	۱۳/۵۸	۷۴۷/۱	جمع

منبع: یافته های پژوهش

تجزیه و تحلیل (ماتریس ارزیابی) عوامل خارجی

از دیدگاه پرسش شوندگان مهمترین فرصت‌ها در استان بوشهر عبارتند از: همجواری با کشورهای همسایه با وزن نسبی ۰/۲۳۷ بالاتر از همه و در رتبه اول، شرایط ممتاز استان برای تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی با وزن نسبی ۰/۲۱۹ در رتبه دوم، برخورداری از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک با وزن نسبی ۰/۲۱۵ در رتبه سوم، افزایش اهمیت دادن به خلاقیت و نوآوری با وزن نسبی ۰/۲۰۳ در رتبه چهارم. استفاده از ظرفیت نیروی کار جوان و تحصیل کرده، علائق حضور سرمایه‌گذاران برای حضور در منطقه، گسترش نقش دانشگاه در حل مشکلات اجتماعی، قابلیت مبادلات اقتصادی خاص، تقویت هویت‌های ملی و ایجاد همگرایی به ترتیب با وزن نسبی ۰/۱۶۱، ۰/۱۵۵، ۰/۱۵۱، ۰/۱۱۴، ۰/۱۰۳ در رتبه‌های بعدی قرار دارند (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴) ماتریس SWOT برای شناخت فرصت‌ها و اولویت بندی آن‌ها در استان بوشهر

رتبه	وزن نسبی	میانگین	مجموع	فرصت‌ها
۳	۰/۲۱۵	۱/۹۳۶	۱۰۶/۵۱	برخورداری از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک
۲	۰/۲۱۹	۱/۹۷۵	۱۰۸/۶۳	شرایط ممتاز استان برای تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی
۵	۰/۱۶۱	۱/۴۵۲	۷۹/۸۴	استفاده از ظرفیت نیروی کار جوان و تحصیل کرده
۶	۰/۱۵۵	۱/۳۹۷	۷۶/۸۵	علائق حضور سرمایه‌گذاران برای حضور در منطقه
۸	۰/۱۱۴	۱/۰۳	۵۶/۶۵	قابلیت مبادلات اقتصادی خاص
۹	۰/۱۰۳	۰/۹۳۱	۵۱/۲	تقویت هویت‌های ملی و ایجاد همگرایی
۷	۰/۱۵۱	۱/۳۶۳	۷۴/۹۵	گسترش نقش دانشگاه در حل مشکلات اجتماعی
۴	۰/۲۰۳	۱/۸۲۸	۱۰۰/۶	افزایش اهمیت دادن به خلاقیت و نوآوری
۱	۰/۲۳۷	۲/۱۳۲	۱۱۷/۳	همجواری با کشورهای همسایه
	۱/۵۶	۱۴/۰۴	۷۷۲/۴	جمع

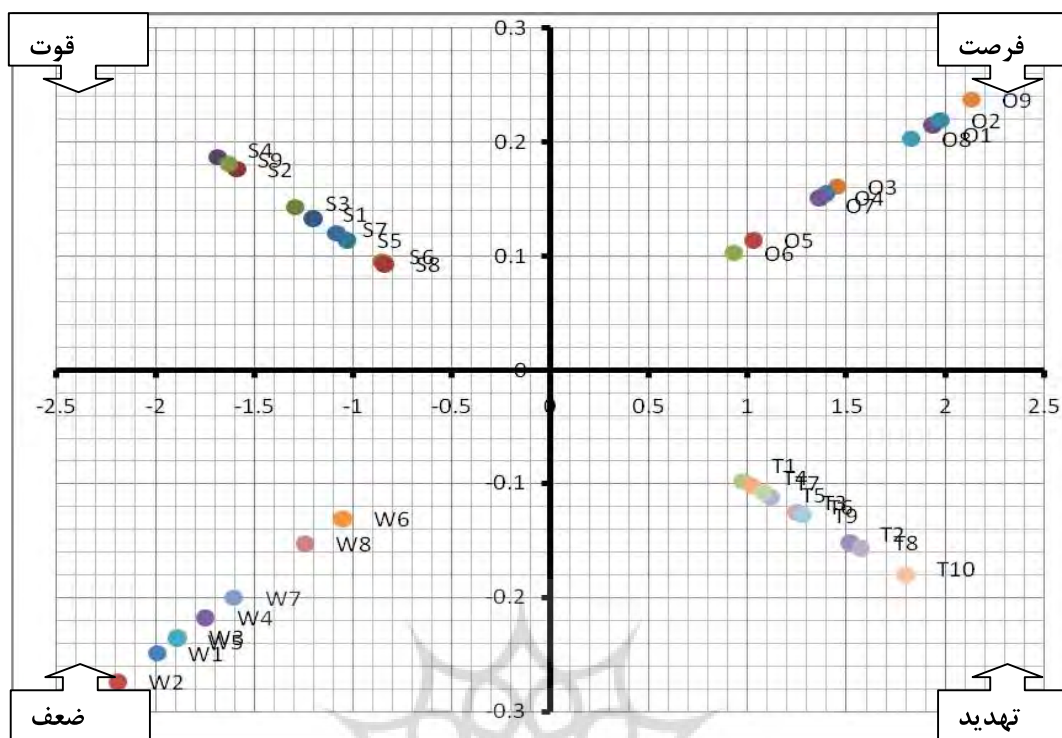
از نظر پرسش شوندگان؛ ایجاد روحیه مصرف گرایی به جای روحیه تولید گرا با وزن نسبی ۰/۱۸۰ به عنوان مهمترین تهدید و وجود رقابت بین کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای تسخیر بازار مصرف با وزن نسبی ۰/۱۵۷ در رتبه دوم، ایجاد فرهنگ قانون گریزی با وزن نسبی ۰/۱۵۲ در رتبه سوم، انزوای فرهنگی - اجتماعی مناطق مرزی با وزن نسبی ۰/۱۲۸ در رتبه چهارم، مهاجرت نیروی‌های متخصص و تأثیر گذار از منطقه با وزن نسبی ۰/۱۲۶ در رتبه پنجم قرار گرفته و گسترش اقتصاد زیر زمینی، هدر رفتن سرمایه اجتماعی (کاهش همبستگی، انسجام و امنیت اجتماعی)، افزایش درگیری قومی و قبیله‌ای، تضعیف امنیت اقتصادی، وجود روابط عشیرتی و قرابت‌های سببی و نسبی بین ساکنین دو طرف مرز به ترتیب با وزن نسبی ۰/۱۲۵، ۰/۱۱۲، ۰/۱۰۸، ۰/۱۰۲، ۰/۰۹۸ در رتبه‌های بعدی قرار دارند (جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵) ماتریس SWOT برای شناخت تهدیدها و اولویت بندی آن‌ها در استان بوشهر

رتبه	وزن نسبی	میانگین	مجموع	تهدیدها
۱۰	۰/۰۹۸	۰/۹۷۵	۵۳/۶۳	وجود روابط عشیرتی و قرابت‌های سببی و نسبی بین ساکنین دو طرف مرز
۳	۰/۱۵۲	۱/۵۱۸	۸۳/۵۱	ایجاد فرهنگ قانون گریزی
۶	۰/۱۲۵	۱/۲۴۹	۶۸/۷۲	گسترش اقتصاد زیر زمینی
۹	۰/۱۰۲	۱/۰۲۲	۵۶/۲	تضعیف امنیت اقتصادی
۷	۰/۱۱۲	۱/۱۱۵	۶۱/۳۵	هدر رفتن سرمایه اجتماعی (کاهش همبستگی، انسجام و امنیت اجتماعی)
۵	۰/۱۲۶	۱/۲۴۸	۶۸/۶۳	مهاجرت نیروی‌های متخصص و تأثیر گذار از منطقه
۸	۰/۱۰۸	۱/۰۷۹	۵۹/۳۵	افزایش درگیری قومی و قبیله‌ای
۲	۰/۱۵۷	۱/۵۷۲	۸۶/۴۶	وجود رقابت بین کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای تسخیر بازار مصرف
۴	۰/۱۲۸	۱/۲۷۷	۷۰/۲۶	انزوای فرهنگی - اجتماعی مناطق مرزی
۱	۰/۱۸۰	۱/۷۹۹	۹۸/۹۶	ایجاد روحیه مصرف گرایی به جای روحیه تولید گرا
	۱/۲۸۵	۱۲/۸۵۵	۷۰۷/۰۶	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش

شکل شماره (۲) نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مذکور را از دیدگاه پرسش شوندگان نشان می‌دهد. این شکل که براساس میانگین و وزن نسبی مولفه‌ها تنظیم یافته نشان دهنده این است که مولفه‌های که در ربع اول و ربع دوم محور مختصات (فرصت‌ها و قوت‌ها) قرار گرفته‌اند. نقاطی که وزن نسبی آن‌ها بیشتر از ۰/۱۵ می‌باشد بیانگر این مطلب است که مؤلفه‌های انتخابی از وضعیت خوب و پایداری برخوردارند و آن‌هایی که دارای وزن نسبی بین ۰/۰۰۰ تا ۰/۱۵ می‌باشند، برای مثال وجود صنایع دستی صادراتی (S۸) و وجود بازارچه‌های مرزی (S۶) وضعیت نامطلوبی دارند و باید بهبود و ارتقاء یابند. با توجه به همین شکل مولفه‌های که در ربع سوم و ربع چهارم محور مختصات (نقاط ضعف و تهدیدها) قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که اغلب این مولفه‌ها از شرایط بسیار نامطلوبی برخوردار هستند. در این میان مولفه‌های که وزن نسبی بین ۰/۰۰ تا ۰/۱۵- قرار دارند دارای وضعیت نامطلوبی می‌باشند و باید ارتقاء داده شوند و مؤلفه‌های که وزن نسبی بالاتر از ۰/۱۵- دارند، وضعیت بسیار نامطلوبی دارند که باید جایگزین یا حذف شوند.



شکل شماره (۲) نمودار تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها

منبع: نگارندگان

تجزیه و تحلیل موقعیت استراتژیک و ارائه راهبردهای عمده

این مرحله از پژوهش، به تجزیه و تحلیل موقعیت استراتژیک و تدوین استراتژی‌های عمده یا کلان و پیشنهاد اقدام استراتژیک، اختصاص دارد. در این راستا، اطلاعات حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله قبل، به عنوان داده‌های ورودی در این مرحله مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. تجزیه و تحلیل موقعیت و تعیین اقدام استراتژیک عبارت است از انجام موازنه استراتژیک بین عوامل سوق دهنده (شامل فرصت و قوت) در مقابل عوامل بازدارنده (شامل تهدید و ضعف) در جهت رفع آن‌ها.

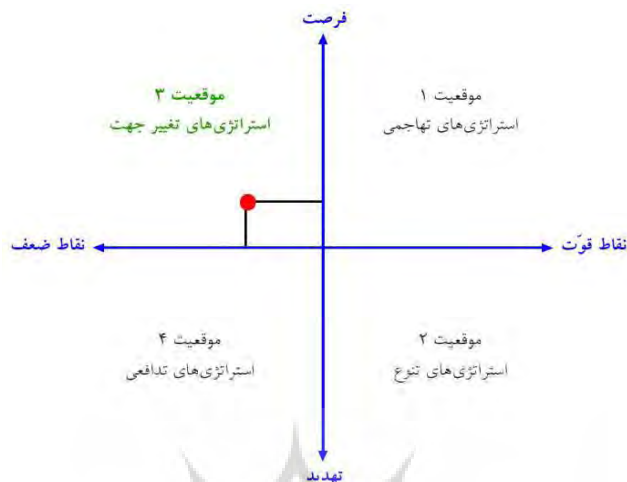
در ادامه تحلیل‌های این مرحله، موقعیت استراتژیک استان بوشهر، با استفاده از دو روش پیشنهادی در منابع نظری مختلف، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

نمودار تحلیل موقعیت و تعیین راهبرد SWOT analysis matrix

یکی از کاربردهای مدل SWOT، مقایسه نظام یافته فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی با ضعف و قوت‌های داخلی است، که به منظور تشخیص یکی از چهار الگوی میان موقعیت‌ها و استراتژی‌های عمده یا کلی صورت می‌گیرد.

با جمع بندی نتایج حاصل از ماتریس‌های ارزیابی عوامل استراتژیک داخلی و خارجی، موقعیت استان بوشهر در قاچاق کالا و ارز، به گونه‌ای که در شکل شماره (۳) عرضه شده است تعیین و اقدام استراتژیک متناسب با آن پیشنهاد می‌گردد.

همانگونه که در این نمودار نشان داده شده است، این استان در «موقعیت شماره ۳» یعنی وضعیت غلبه فرصت‌ها بر تهدیدها و در ضمن غلبه نقاط ضعف بر نقاط قوت قرار گرفته است. در چنین شرایطی، توصیه می‌شود با استفاده از «استراتژی‌های تغییر جهت» از مزیت‌های نهفته در فرصت‌ها در جهت جبران نقاط ضعف بهره‌گرفته شود.



شکل شماره (۳) تعیین موقعیت و استراتژی عمده بر اساس نمودار SWOT
منبع: نگارندگان

ماتریس داخلی - خارجی؛ IE matrix

کاربرد «ماتریس داخلی - خارجی» در تدوین استراتژی‌ها بخش‌های گوناگون است. این ماتریس دارای ۹ خانه است و بخش‌های مختلف، در یکی از نه خانه آن قرار می‌گیرند. این ماتریس دارای دو بعد اصلی است:

- مجموع امتیازات موزون عوامل استراتژیک بیرونی از ماتریس EFAS / EFE؛ که بر روی محور عمودی نشان داده می‌شود.
- مجموع امتیازات موزون عوامل استراتژیک درونی از ماتریس IFAS / IFE؛ که بر روی محور افقی نشان داده می‌شود.

جدول شماره (۶) ماتریس بررسی عوامل داخلی (IFAS/IFE)

عوامل	مجموع	میانگین	وزن نسبی
نقاط قوت	۸/۶۱۵	۲/۱۱	۲۴۴/۱
نقاط ضعف	۱/۷۴۷	۵۸/۱۳	۶۹۸/۱
جمع	۹/۱۳۶۲	۷۸/۲۴	۸۴۵/۲

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۷) ماتریس بررسی عوامل خارجی (EFAS/EFE)

عوامل	مجموع	میانگین	وزن نسبی
فرصت‌ها	۴/۷۲۲	۰۴/۱۴	۵۶/۱
تهدیدها	۰۶/۷۰۷	۸۵۵/۱	۲۸۵/۱
جمع	۴۶/۱۴۷۹	۸۹۵/۲۶	۸۴۵/۲

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به این که مجموع امتیازات موزون در ماتریس‌های ارزیابی عوامل بیرونی و درونی، در فاصله ۱ تا ۵ قرار می‌گیرد، بنابراین خانه‌های این ماتریس به نحوی که در شکل شماره (۴) نمایش داده شده است، خواهد بود.

		۵ تا ۳/۶۶ (%۱۰۰ تا %۶۶/۶)	۳/۶۶ تا ۲/۳۳ (%۶۶/۶ تا %۳۳/۳)	۲/۳۳ تا ۱ (%۳۳/۳ تا %۰)
نمره نهایی ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFAE/EEF)	۵ تا ۳/۶۶ (%۱۰۰ تا %۶۶/۶)	خانه I استراتژی رشد و توسعه	خانه II	خانه III
	۳/۶۶ تا ۲/۳۳ (%۶۶/۶ تا %۳۳/۳)	خانه IV	خانه V استراتژی حفظ وضع موجود	خانه VI
	۲/۳۳ تا ۱ (%۳۳/۳ تا %۰)	خانه VII	خانه VIII	خانه IX استراتژی برداشت، رهاسازی و یا انحلال
	نمره نهایی ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (FAE/IFE)			

شکل شماره (۴) ماتریس داخلی - خارجی (IE)

منبع: نگارندگان

با توجه به اینکه نمره نهایی نقاط قوت و ضعف گروه‌های پنج گانه برابر ۲/۹۴۲ و نمره نهایی فرصت و تهدیدها معادل ۲/۸۴۵ است لذا جهت استراتژیک تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی مرزنشینان در قاچاق کالا و ارز در خانه شماره پنج قرار دارد. این موقعیت استراتژیک بیانگر انتخاب استراتژی حفظ وضع موجود می‌باشد.

تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک^۱

در این مدل، با استفاده از جدول‌های تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی و ترکیب آن‌ها، مهم‌ترین عوامل استراتژیک مؤثر در قاچاق کالا و ارز ارائه گردیده است. در واقع، با تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک، برنامه‌ریزی که تصمیم‌های استراتژیک را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها را به تعداد کمتری از عوامل محدود نمایند. این کار با بررسی دوباره وزن‌های هر یک از عوامل موجود در جدول‌های تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی، انجام گرفته است. در واقع سنگین‌ترین عوامل موجود در این جداول از حیث وزن، باید به جدول تجزیه و تحلیل استراتژیک منتقل شوند. این مهم در خصوص عوامل استراتژیک تأثیرگذار بر قاچاق کالا و ارز در استان بوشهر در جداول زیر خلاصه شده است.

تلفیق عوامل استراتژیک و تدوین راهبردهای خاص

پس از آن که عوامل بیرونی و درونی، شناسایی و ارزیابی شده و از این طریق عوامل کلیدی آن‌ها از غیرکلیدی تمیز داده شد، زمان پیشنهاد و انتخاب استراتژی‌ها فرا می‌رسد. این امر با استفاده از الگوی «ماتریس تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط قوت و نقاط ضعف»، که می‌توان آن را «ماتریس تلفیق عوامل استراتژیک» نیز نامید، انجام می‌پذیرد. در جدول شماره (۸)، شمایی از این ماتریس نمایش داده شده است.

^۱) Strategic factors analysis summary (SFAS)

در پیاده‌سازی این ماتریس، پس از لیست کردن هر یک از عوامل استراتژیک چهارگانه و نوشتن آن‌ها در سلول مربوط به خود، از محل تلاقی هر یک از آن‌ها استراتژی‌های مورد نظر حاصل می‌شود. مسئله مهم در استفاده از این ماتریس، اینست که در جهت تدوین استراتژی‌های بسیار خاص و با توجه به شرایط ویژه به کار گرفته شود و نه تدوین استراتژی‌های کلی یا عمومی.

اما از آنجا که تعداد تمامی عوامل استراتژیک حاصل از جداول خلاصه تجزیه و تحلیل (ماتریس‌های ارزیابی) عوامل خارجی و داخلی، بسیار زیاد بوده و لذا تحلیل و تلفیق آن‌ها جهت تدوین استراتژی‌ها امری نسبتاً مشکل می‌باشد، راه‌های گوناگونی جهت تهیه فهرستی محدود و خلاصه از عوامل استراتژیک پیشنهاد شده است. از طرفی، تلفیق عوامل استراتژیک کلیدی و تدوین استراتژی‌های چهارگانه، بر اساس خبرگی و خلاقیت صورت گرفته و از مشکل‌ترین بخش‌های مدل تحلیل SWOT می‌باشد و به قدرت قضاوت و توانایی تجزیه و تحلیل خوبی نیازمند است.

جدول شماره (۷) تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک (SFAS) در استان بوشهر

عوامل استراتژیک	رتبه	وزن نسبی	برنامه‌ریزی		
			بلند مدت	میان مدت	کوتاه مدت
S1 = قطب منابع غنی کانی و معدنی کشور	۵	۰/۱۳۳	*	*	*
S2 = نیروی کار کافی	۷	۰/۱۷۶	*	*	*
S3 = وجود امنیت نسبی	۶	۰/۱۲۳	*	*	*
S4 = فرار گرفتن در مسیر ترانزیت	۹	۰/۱۸۷	*	*	*
S9 = قطب محصولات زراعی	۸	۰/۱۸۱	*	*	*
O1=برخورداری از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک	۷	۰/۲۱۵	*	*	*
O2=شرایط ممتاز برای تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی	۸	۰/۲۱۹	*	*	*
O3=استفاده از ظرفیت نیروی کار جوان و تحصیل کرده	۵	۰/۱۶۱	*	*	*
O8=افزایش اهمیت دادن به خلاقیت و نوآوری	۶	۰/۲۰۳	*	*	*
O9=همجواری با کشورهای همسایه	۹	۰/۲۳۷	*	*	*
W1=فقر و محرومیت و عدم وجود مراکز صنعتی و جذب نیروی کار در منطقه و در نتیجه گرایش نیروی کار به سمت قاچاق به عنوان شغل آسان، کم خطر و پر درآمد	۷	۰/۲۴۹	*	*	*
W2=سود سرشار به علت اختلاف فاحش قیمت کالا بین کشورهای همسایه و کشور ایران	۸	۰/۲۷۴	*	*	*
W3=پایین بودن کیفیت زندگی و فقدان منابع برای امرار معاش مناسب	۵	۰/۲۳۶	*	*	*
W4=رشد شتابان جمعیت این مناطق و بویژه جمعیت شهر نشین و عدم پاسخگویی توانمندیهای بالفعل این مناطق به نیازهای معیشتی مرزنشینان	۲	۰/۲۱۸	*	*	*
W5= توزیع ناعادلانه امکانات و دوربودن از مراکز اصلی جمعیت و محورهای توسعه کشور	۶	۰/۲۳۶	*	*	*
T2= ایجاد فرهنگ قانون‌گریزی	۸	۰/۱۵۲	*	*	*
T3= گسترش اقتصاد زیر زمینی	۵	۰/۱۲۵	*	*	*
T6= مهاجرت نیروهای متخصص و تأثیر گذار از منطقه	۶	۰/۱۲۵	*	*	*
T8= وجود رقابت بین کشورهای منطقه برای تسخیر بازار مصرف	۹	۰/۱۵۷	*	*	*
T9= انزوای فرهنگی - اجتماعی مناطق مرزی	۷	۰/۱۲۸	*	*	*
T10= ایجاد روحیه مصرف‌گرایی به جای روحیه تولید‌گرا	۱۰	۰/۱۸	*	*	*

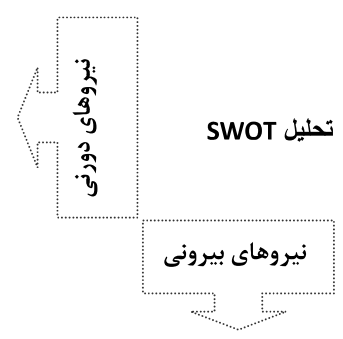
منبع: یافته‌های پژوهش

لذا این مرحله از پژوهش نیز در تعامل مستمر و با انجام مشاوره با مسئولین انجام شده است. همچنین با توجه به نتایج ارزیابی عوامل و تعیین موقعیت استراتژیک در مراحل گذشته، «راهبردهای ضعف- فرصت» از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار بوده و لذا بخش عمده‌ای از تجزیه و تحلیل‌های این مرحله بر تدوین این راهبردها متمرکز بوده و در میانه مجموعه راهبردها نیز سهم بیشتری را به خود اختصاص خواهند داد.

جدول شماره (۸) راهبردها در استان بوشهر

ضعف‌ها	قوت‌ها	فرصت‌ها	تهدیدها
W1 = فقر و محرومیت و عدم وجود مراکز صنعتی و جذب نیروی کار در منطقه و در نتیجه گرایش نیروی کار به سمت قاچاق به عنوان شغل آسان، کم خطر و پر درآمد	S1 = قطب منابع غنی کانی و معدنی کشور S2 = نیروی کار کافی S3 = وجود امنیت نسبی S4 = قرار گرفتن در مسیر ترانزیت S5 = وجود امکانات توسعه و ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به محصولات کشاورزی S6 = وجود بازارچه‌های مرزی S7 = وجود تعاونی‌های مرز نشین S8 = وجود صنایع دستی صادراتی S9 = قطب محصولات زراعی	O1 = برخورداری از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک O2 = شرایط ممتاز استان برای تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی O3 = استفاده از ظرفیت نیروی کار جوان و تحصیل کرده O4 = علاقت حضور سرمایه‌گذاران برای حضور در منطقه O5 = قابلیت مبادلات اقتصادی خاص O6 = تقویت هویت‌های ملی و ایجاد همگرایی O7 = گسترش نقش دانشگاه در حل مشکلات اجتماعی O8 = افزایش اهمیت دادن به خلاقیت و نوآوری O9 = همجواری با کشورهای همسایه	T1 = وجود روابط عشیرتی و قرابت‌های سببی و نسبی بین ساکنین دو طرف مرز T2 = ایجاد فرهنگ قانون‌گریزی T3 = گسترش اقتصاد زیر زمینی T4 = تضعیف امنیت اقتصادی T5 = هدر رفتن سرمایه اجتماعی (کاهش همبستگی، انسجام و امنیت اجتماعی T6 = مهاجرت نیروی‌های متخصص و تأثیر گذار از منطقه T7 = افزایش درگیری قومی و قبیله‌ای T8 = وجود رقابت بین کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای تسخیر بازار مصرف T9 = انزوای فرهنگی - اجتماعی مناطق مرزی T10 = ایجاد روحیه مصرف‌گرایی به جای روحیه تولید
W2 = سود سرشار به علت اختلاف فاحش قیمت کالا بین کشورهای همسایه و کشور ایران W3 = پایین بودن سطح کیفیت زندگی و فقدان منابع کافی برای امرای معاش مناسب و قانونی W4 = رشد شتابان جمعیت این مناطق و بویژه جمعیت شهر نشین و عدم پاسخگویی توانمندیهای بالفعل این مناطق به نیازهای معیشتی مرزنشینان W5 = توزیع ناعادلانه امکانات و دوربودن از مراکز اصلی جمعیت و محورهای توسعه کشور W6 = پایین بودن سطح تحصیلات و آموزش W7 = عدم سرمایه گذاری بخش خصوصی W8 = بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها (تغییر سیستم ارزشی اجتماع در تخلف دانستن قاچاق)	راهبردهای رقابتی / تهاجمی (SO) ایجاد پایانه‌های صادرات محصولات زراعی با توجه به شرایط ممتاز بازرگانی بین‌المللی بهبود و ساماندهی مسیرهای ترانزیت کالا با استفاده از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک استان بهره‌گیری هدفمند از منابع معدنی با استفاده از وجود نیروی کار جوان و متخصص بومی استفاده از وجود امنیت نسبی استان جهت گسترش مبادلات اقتصادی - تجاری با کشورهای همسایه و جذب سرمایه‌های خارجی	راهبردهای بازنگری/ تغییر جهت هوشمندانه (WO) ایجاد صنایع کوچک و روستایی به منظور کاهش فقر و محرومیت گسترش مبادلات اقتصادی بویژه در بخش کشاورزی جهت افزایش کیفیت زندگی و بهبود وضعیت معیشتی ارائه تسهیلات جهت گسترش مبادلات اقتصادی به صورت رسمی جهت کاهش مبادلات غیر رسمی ایجاد زمینه مناسب برای بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری جوانان در کارآفرینی و بنگاه‌های زود بازده	راهبرد تدافعی (WT) اصلاح و ارتقاء بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها به منظور افزایش فرهنگ قانون‌مداری توزیع بهینه امکانات و منابع به منظور نگهداشت نیروی متخصص بومی در استان تشویق و حمایت از بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در بخش اقتصاد رسمی به منظور کاهش اقتصاد زیرزمینی فرهنگ سازی برای کاهش روحیه مصرف‌گرایی و ترجیح مصرف کالاها داخلی برای تأمین امنیت اقتصادی در رقابت با کشورهای همجوار بهبود سطح کیفیت زندگی مرزنشینان جهت کاهش فعالیت‌های اقتصاد پنهان



نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر به راهبردهای اجتماعی و اقتصادی کاهش قاچاق کالا در مناطق مرزی استان بوشهر پرداخته است. بدین منظور با استفاده از نظر کارشناسان ۱۱ اداره مرتبط با قاچاق کالا و ارز (از هراداره تعداد ۵ کارشناس و در مجموع ۵۵ کارشناس) به بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در منطقه مورد مطالعه پرداخته شد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که در استان بوشهر اولویت اول اقتصادی، سرمایه‌گذاری اقتصادی است که شامل توزیع بهینه امکانات خدماتی، افزایش توجه دولت به مناطق مرزی، توزیع عادلانه امکانات رفاهی، توسعه صنایع تخصصی، گسترش صنایع کشاورزی و صنایع تبدیلی، تشویق و ترغیب بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و همچنین در بخش اجتماعی اولویت اول، سرمایه اجتماعی است که شامل مشارکت مردم در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، تقویت و بهبود اصول اخلاقی، تعادل و توازن در نظام شهرنشینی و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه می‌باشد. بدین منظور، توسعه اقتصادی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی و حمایت و سرمایه‌گذاری دولت می‌تواند تأثیر مثبت در کاهش قاچاق کالا در استان بوشهر داشته باشد. از سوی دیگر افزایش فعالیت‌های سالم و سرمایه‌گذاری دولت در مناطق مرزی، مشروط به عدم اختلاف فاحش اقتصادی در دو سوی مرز، نیز می‌تواند بر کارکرد ارتباطی مناطق مرزی مؤثر بوده که این امر نیز در کاهش قاچاق کالا تأثیر مثبت داشته باشد. همچنین حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و تبدیلی در مناطق مرزی، فعال کردن قابلیت‌های توریستی مناطق مرزی، ایجاد بازارچه‌ها مرزی و ... از جمله روش‌های است که می‌تواند در افزایش تعاملات قانونی و کاهش قاچاق کالا مؤثر باشد.

به طور کلی راهبردهای به‌دست‌آمده از تلفیق عوامل استراتژیک برای توانمندسازی و استفاده از قابلیت‌های مناطق مرزی پیشنهاد می‌شود.

- ۱- راهبردهای رقابتی / تهاجمی (SO): این راهبردها تمرکز بر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی استوار است، راهکارهای زیر جهت بهره‌برداری از برتری‌های موجود ارائه می‌شود:
 - ایجاد پایانه‌های صادرات محصولات زراعی با توجه به شرایط ممتاز بازرگانی بین‌المللی
 - بهبود و ساماندهی مسیرهای ترانزیت کالا با استفاده از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک استان
 - بهره‌گیری هدفمند از منابع معدنی با استفاده از وجود نیروی کار جوان و متخصص بومی
 - استفاده از وجود امنیت نسبی استان جهت گسترش مبادلات اقتصادی - تجاری با کشورهای همسایه و جذب سرمایه‌های خارجی
- ۲- راهبردهای تنوع (ST): در راهبردهای تنوع بخشی که بر نقاط قوت درونی و تهدیدهای بیرونی متمرکز است راهکارهای زیر جهت رفع تهدیدها ارائه می‌گردد:
 - تقویت تعاونی‌ها و بازارچه‌های مرزی به منظور کاهش اقتصاد زیرزمینی
 - گسترش فعالیت‌های کشاورزی با استفاده از نیروهای متخصص و تاثیرگذار جهت جلوگیری از مهاجرت
 - ایجاد فرهنگ تولیدگرا به منظور افزایش اشتغال جوانان استان
 - گسترش حمل و نقل ریلی به منظور افزایش ترانزیت بین‌المللی

۳- راهبردهای بازننگری/ تغییر جهت هوشمندانه (WO): ضمن تاکید بر نقاط ضعف درونی، سعی بر بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی در جهت رفع نقاط ضعف فرا روی این استان می‌باشد. به این منظور راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

- ایجاد صنایع کوچک و روستایی به منظور کاهش فقر و محرومیت
 - گسترش مبادلات اقتصادی بویژه در بخش کشاورزی جهت افزایش کیفیت زندگی و بهبود وضعیت معیشتی
 - ارائه تسهیلات جهت گسترش مبادلات اقتصادی به صورت رسمی جهت کاهش مبادلات غیر رسمی
 - ایجاد زمینه مناسب برای بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری جوانان در کارآفرینی و بنگاه‌های زود بازده
- ۴- راهبرد تدافعی (WT): در این راهبرد ضمن تاکید بر رفع آسیب پذیری استان مطالعه شده، راهکارهای زیر ارائه می‌گردد:

- اصلاح و ارتقاء بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها به منظور افزایش فرهنگ قانون مداری
- توزیع بهینه امکانات و منابع به منظور نگهداشت نیروی متخصص بومی در استان
- تشویق و حمایت از بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در بخش اقتصاد رسمی به منظور کاهش اقتصاد زیرزمینی
- فرهنگ سازی برای کاهش روحیه مصرف گرایی و ترجیح مصرف کالاهای داخلی برای تأمین امنیت اقتصادی در رقابت با کشورهای همجوار
- بهبود سطح کیفیت زندگی مرزنشینان جهت کاهش فعالیتهای اقتصاد پنهان

منابع

- ارمغان، سیمین (۱۳۹۰). جایگاه بازارچه‌های مرزی در آمایش سرزمین و کاهش قاچاق استان کردستان، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، شماره: ۸ دوره دوم زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۷-۳۲.
- اصغری، علیرضا (۱۳۸۸). مصرف کالای داخلی و مبارزه با قاچاق، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۹۸، پاپلی یزدی، محمد حسین؛ ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۸۱) نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: سمت، پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۷۲). تمرکزگرایی و عدم تمرکزگرایی و اثرات آن، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۹.
- پیرز، جان. ای؛ ریچاردی، رابینسون (۱۳۸۳). مدیریت راهبردی (برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل)، تهران: سمت، خنفر، حسین (۱۳۸۹). درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران، فصلنامه آمایش سرزمین، سال دوم، شماره دوم، ص ۶.
- دواس، دی. ای (۱۳۸۲). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نی.
- رحمانی، بیژن؛ شمس، مجید، حاتمی فر، ساناز (۱۳۸۹) امکان سنجی توسعه پایدار گردشگری در شهر ملایر با استفاده از مدل SWOT، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره سه، اصفهان، ص ۱۷.
- رستگار، زکریا (۱۳۹۲). بوشهر: تاریخ، سرزمین، فرهنگ، تهران: آبتین نگار، رستم گورانی، ابراهیم؛ بیرانوند زاده، مریم، علی زاده، سیددانا، حشمتی جدید، مهدی (۱۳۹۲). بررسی جایگاه مناطق آزاد تجاری جزیره قشم در توسعه پایدار و امنیت اجتماعی، دو فصلنامه آمایش سرزمین، سال پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲ صص ۲۷-۴۹.

- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پاپلی یزدی، محمد حسین، عبدی، عرفان (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی در بازتابهای توسعه مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه، فصلنامه ژئوپلیتیک، تابستان ۱۳۸۷، سال ۴، شماره ۲، صص ۸۲-۱۰۹،
روشه، گی (۱۳۷۲). کنش اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی زاده، تهران: نشر نی،
رومینا، ابراهیم (۱۳۹۳). تبیین نظری قاچاق کالای ورودی و مدیریت آن در کشورها، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۳، صص ۸۳-۱۰۵،
زراء نژاد، منصور؛ ابراهیمی، صالح (۱۳۹۱). قاچاق کالا در ایران و رابطه آن با اقتصاد رسمی آزمون علیت گرنجر (۱۳۸۶-۱۳۵۳) دو فصلنامه بررسی های حقوقی (مجله تخصصی حقوق اقتصادی)، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ صص ۱۳،
زیاری، کرامت ا... (۱۳۷۸). مدل‌های تحلیلی فقر؛ توزیع درآمد و نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸، صص ۸۸،
ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). روش تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
سیف الهی، سیف ا... (۱۳۸۱). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات جامعه پژوهان سینا،
سیف، اله مراد (۱۳۸۷). قاچاق کالا در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،
شکویی، حسین (۱۳۸۱). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: سمت،
صرافی، مظفر (۱۳۷۷). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران: سازمان برنامه و بوجه،
طاوسی، تقی، اسکندری‌ثانی؛ محمد، حسین زاده کرمانی، محمود (۱۳۹۱). قابلیت‌ها و تنگناهای توسعه محور شرق در شرایط امروز ایران و منطقه، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۷۹-۱۰۰،
عرب مازار یزدی، علی (۱۳۸۴). اقتصاد سیاه در ایران، تهران: موسسه توسعه و دانش،
عندلیب، علیرضا (۱۳۷۹). آمایش مناطق مرزی، رساله دکتری رشته شهرسازی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، تهران، صص ۴۹،
عندلیب، علیرضا؛ مطوف، شریف (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، فصلنامه باغ نظر، سال ۶، شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۷،
عیسی آبادی، ابوالفضل؛ شاه قلعه، صفی اله (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۰۹، تابستان ۱۳۹۲ صص ۴۹-۶۸،
کریمی پور، یدالله؛ محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۳). سد نفوذ قاچاق کالا: از واقعیت تا رؤیا (پژوهش میدانی در محدود استان هرمزگان)، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۳، صص ۲۴۱-۲۱۱،
کلاتری، خلیل (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای؛ تئوری‌ها و تکنیکها، انتشارات خوشبین، تهران، صص ۶۹،
کنین، عبدالحسین (۱۳۸۷). جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر، تهران: طلوع دانش،
کهنه پوشی، سید هادی؛ عنابستانی، علی اکبر (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین فاصله از مرز و میزان درآمد و اشتغال در قاچاق کالا، مطالعه موردی بخش خاو و میرآباد مریوان، فصلنامه مطالعات پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۲۰-۱،

کلانتری خلیل آباد، حسین؛ ابوبکری، طاهر، قادری، رضا، پورعلی، محمدعلی، سعیدی، انور (۱۳۹۱). ارزیابی میزان تحقق پذیری شاخص‌های توسعه پایدار شهری در مناطق مرزی (نمونه موردی: شهر پیرانشهر)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰، صص ۲۲۱-۲۰۷.

کهنه پوشی، سید هادی؛ جلالیان، حمید (۱۳۹۱). تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی: مورد: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۲، صص ۶۱-۷۴.

گلکار، مهدی (۱۳۸۴) مناسب سازی تکنیک تحلیلی SWOT، نشریه معماری و شهرسازی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، تهران، ص ۴۸.

گیل، مای (۱۳۷۹). توسعه و فرهنگ، ترجمه: احمد شهروز، تهران: انتشارات ققنوس،

مطوف، شریف (۱۳۸۱). بررسی پدیده عدم تعادل منطقه‌ای؛ در برابر توسعه کشور و استخراج درس‌هایی از توسعه برای استفاده در تدوین برنامه چهارم توسعه، مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم اندازهای توسعه ایران، تهران، ص ۴۷۶.

مهران نژاد، احمد؛ جوادی پور، رضا (۱۳۸۸). راهبردهای توسعه خدمات شهرداری‌های الکترونیک بر اساس تجزیه و تحلیل SWOT: مطالعه موردی شهرداری الکترونیک منطقه ۱۳ تهران، دومین کنفرانس بین المللی شهرداری الکترونیک، تهران، ص ۵۹.

میر محمدی، سید محمد (۱۳۸۶). آمایش سرزمین و ملاحظات امنیت اقتصادی، انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، تهران، ص ۸ و ۱۵.

میر محمدی، سید محمد (۱۳۸۷) آمایش سرزمین، زیربنای توسعه، معاونت برنامه‌ریزی و مطالعات راهبردی رئیس جمهور،

<http://www.spac.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object>

نماین، پیمان (۱۳۹۰) قاچاق کالا و اثرات آن در امنیت اجتماعی: ارزیابی سیاست‌های پیشگیرانه، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، شماره ۸، دوره دوم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۱-۸۲.

ویسی، هادی (۱۳۹۲) توسعه نامتوازن ناحیه‌ای و چالش‌های امنیتی بلوچستان ایران با تأکید بر پدافند غیر عامل به عنوان کلید حل مسئله، ششمین کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران پدافند غیرعامل، مشهد، انجمن ژئوپلتیک ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، هریسون، جفری؛ کارون، جان (۱۳۸۲). مدیریت استراتژیک، ترجمه بهروز قاسمی، انتشارات هیات، تهران، ص ۱۹۲

وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۵). راهنمای تهیه طرح ساماندهی توسعه اقتصادی، اجتماعی فضاهای روستایی، تهران: دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی،

- Friedman, J. (1998). Regional Development policy: A case study of, Venezuela, Cambridge, P33
- Jones, Phillip, n. and Wild, Trevor (1994). Opening the Frontier: Recent Spatial Impacts in the Former Inner-German Border Zone; Regional Studies, Vol. 28.3; pp 259-273.
- Kajanus, M. (2000). A model for creating innovative strategies for an enterprise and its application to a rural enterprise. Management Decision, 38 (10).
- Myrdal, M (1998). Economic theory and under Development, region- London- Duckworth, P12
- Pena, Sergio (2005). Recent development in urban marginality along Mexico,s northern border, Journal of Habitat International, No29.
- Torjman, Sh. (2000). the Social Dimension of Sustainable Development, Caledon Institute Social Policy.
- Wheelen, T. L., & Hunger, J. D. (1995). Strategic management and business policy (5th Ed.). Reading, MA: Addison-Wesley.